

ررسی فقهی خشونت خانگی

حسین بستان (نجفی)

عضو هیأت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

سرشناسه: بستان، حسین، ۱۳۴۷- Bustan, Huseyin

عنوان و نام پدیدآور: بررسی فقهی خشونت خانگی/ حسین بستان (نجفی).

مشخصات نشر: قم: منهاج علم، ۱۳۰۳.

مشخصات ظاهری: ۳۰۸ ص: ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۷۹۸-۴۸-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیا

پادداشت: کتابنامه.

موضوع: خشونت در خانواده (فقه) (Spousal abuse (Islamic law Family violence (Islamic law همسر آزاری (فقه))

زناشویی -- خشونت: Marital violence

رده بندی کنگره: BP۱۸۸/۱

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۶

شماره کتابشناسی ملی: ۹۶۰۳۴۱۴

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا



بررسی فقهی خشونت خانگی

مؤلف: حسین بستان (نجفی)

ناشر: منهاج علم

صفحه آرای: علی رفیعی

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۳

شمارگان: ۵۰۰ عدد

قیمت: ۳۰۰,۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۷۹۸-۴۸-۹

قم - میدان معلم - بلوار سمیه - پلاک ۴۷۲

تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۳۰۱۸۳

www.menhajelm.ir

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.



۱۱.....	سخن ناشر.....
۱۵.....	سخن مؤلف.....
۱۷.....	مقدمه.....
۱۸.....	چار چوب کَلّی مباحث.....
۱۹.....	تعریف خشونت.....
۲۳.....	واژگان کلیدی بحث.....
۲۷.....	خشونت شوهر علیه همسر.....
۲۹.....	بخش اول: خشونت شوهر علیه همسر.....
۲۹.....	واژگان و مفاهیم عام خشونت شوهر علیه همسر.....
۳۰.....	۱. ضرار.....
۳۸.....	۲. عضل.....
۴۶.....	۳. ایذاء.....
۵۶.....	۴. ضد آرامش بخشی.....

۷۵.....	۵. سوء معاشرت.....
۶۷.....	واژگان و مفاهیم خاص خشونت شوهر علیه همسر.....
۶۸.....	۱. اهانت و تحقیر.....
۷۱.....	۲. ضرب.....
۸۵.....	۳. قتل.....
۸۷.....	۴. سب و شتم.....
۹۱.....	۵. لعن و نفرین.....
۹۳.....	۶. هجر.....
۹۹.....	۷. ترک رابطه جنسی.....
۱۰۵.....	۸. رابطه جنسی تحمیلی.....
۱۰۹.....	۹. اکراه بر رابطه نامشروع.....
۱۱۱.....	۱۰. تصاحب مهریه.....
۱۲۰.....	۱۲. حبس خانگی.....
۱۳۳.....	۱۳. اخراج از خانه.....
۱۳۷.....	۱۴. اخافه.....
۱۳۹.....	۱۵. ترش رویی.....
۱۴۰.....	۱۶. قذف.....
۱۴۴.....	۱۷. تندى زبان.....
۱۴۵.....	خلاصه احکام تکلیفی و وضعی خشونت شوهر علیه همسر.....
۱۴۷.....	حکم تکلیفی زن خشونت دیده.....

۱۴۸.....	حکم تسیب خشونت شوهر علیه زن.....
۱۵۵.....	بخش دوم: خشونت زن علیه شوهر.....
۱۵۷.....	ملاحظات.....
۱۶۸.....	حکم تکلیفی شوهر خشونت دیده.....
۱۶۹.....	حکم تسیب خشونت زن علیه شوهر.....
۱۷۳.....	بخش سوم: خشونت والدین علیه فرزندان.....
۱۷۳.....	عناوین و واژگان عام خشونت والدین علیه فرزندان.....
۱۷۳.....	۱. ضرار.....
۱۷۴.....	۲. عضل.....
۱۷۴.....	۳. ایذاء.....
۱۷۵.....	۴. عقوق.....
۱۷۶.....	۱. اهانت و تحقیر و اذلال.....
۱۷۷.....	۲. ضرب.....
۱۸۱.....	۳. قتل.....
۱۸۷.....	۴. سب و شتم.....
۱۹۱.....	۵. هجر.....
۱۹۱.....	۷. ترک نفقه.....
۱۹۲.....	۸. ختنه.....
۱۹۵.....	۹. ازدواج تحمیلی.....
۱۹۸.....	استثناء حد و تعزیر.....

۲۰۳.....	بخش چهارم: خشونت فرزند علیه والدین.....
۲۰۳.....	عناوین عام خشونت فرزند علیه والدین.....
۲۰۳.....	۱ و ۲. ضرر، اذواء.....
۲۰۴.....	۳. حقوق.....
۲۰۶.....	۴. ترک احسان.....
۲۰۶.....	عناوین خاص خشونت فرزند علیه والدین.....
۲۰۶.....	۱. اهانت، تحقیر، اذلال.....
۲۰۷.....	۲. ضرب.....
۲۰۷.....	۳. قتل.....
۲۰۸.....	۴. سب و شتم.....
۲۰۹.....	استثنای نهی از منکر.....
۲۱۳.....	خشونت سایر اعضای خانواده.....
۲۱۵.....	بخش پنجم: خشونت سایر اعضای خانواده.....
۲۱۵.....	الف. عمومات و استثنائات.....
۲۱۸.....	ب. اشکال در تعمیم پذیری عنوان حقوق.....
۲۲۲.....	جمع بندی احکام خشونت فردی.....
۲۲۹.....	بخش ششم: احکام اجتماعی خشونت خانگی.....
۲۳۰.....	مواجهه پیشگیرانه و درمانی.....
۲۳۰.....	الف. تعلیم و تربیت.....
۲۳۸.....	ب. حمایت.....

۲۴۹.....	۵. صدقه.....
۲۵۳.....	مواجهه نظارتی و کیفری با خشونت خانگی.....
۲۸۱.....	بخش هفتم: احکام ترجیحات.....
۲۸۵.....	ملاک ترجیح.....
۲۹۵.....	سخن پایانی.....
۲۹۹.....	منابع.....

سخن ناشر

سخن گفتن از مباحث مربوط به علوم انسانی در تاریخ علم بشری امری ضروری و اساسی است و در این زمینه هر فرقه و نحله با توجه به اندیشه‌های بنیادین خود در این سنخ از علوم به نشر عقیده پرداخته‌اند. بدون شک از مهم‌ترین عوامل مانایی دین مبین اسلام در طول تاریخ، توجه به مباحث اساسی و ساختارگرایانه‌ای همچون فقه، فلسفه، تفسیر، کلام، تاریخ و... بوده است که موجب گشته اندیشمندان دانای این آیین بزرگ الهی تعریفی مهم و مؤثر از آموزه‌های آخرین دین خداوند متعال به جهان بشری عرضه کنند که چه در حوزه مفاهیم و چه در حوزه کاربرد میراثی افزون از دیگر اندیشه‌ها بر جای گذارده است.

در طول قرن حاضر و به خصوص پس از برآمدن انقلاب اسلامی در ایران

نیاز به علوم انسانی در پرتو دستورات دین مبین اسلام اهمیتی بیش از پیش یافته است و جریان اسلام‌گرایی متعهد این مرزوبوم تلاش نموده تا مفاهیم دین مبین اسلام را با جلوه‌ای اصیل و بومی و در عین حال کاربردی به جامعه علمی عرضه کند و از این طریق هم در برابر سیل تهاجم اندیشه‌های انسان‌محور خد‌اگری غربی مقابله نماید و هم گامی استوار جهت بسترسازی تمدن اسلامی بردارد.

نشر منهای علم به عنوان مجموعه‌ای که رسالت اصلی خود را انتشار کتاب‌هایی با موضوع علوم انسانی اسلامی می‌داند در طول سالیان اخیر تلاش نموده است تا در مسیر اعتلای علوم انسانی اسلامی گام بردارد و از این طریق برای گفتمان‌سازی و در عین حال پیشبرد اهداف متعالی انقلاب اسلامی در عرصه علوم انسانی جهاد نماید. از این رو متولیان این انتشارات سعی وافر در جهت انتشار کتاب‌های علوم انسانی اسلامی نموده و انشاء الله می‌نمایند.

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های علوم انسانی در حال حاضر مباحث مربوط به نظام خانواده و کارکردهای آن می‌باشد. ذکر این نکته ضروری است که با ورود اندیشه مدرن به جامعه ایران در طول قرن اخیر و به خصوص روزگار بعد از انقلاب اسلامی، بسیاری از نگرش‌های سنتی به مسئله خانواده تغییر نموده و نوع نگاه به این امر مهم بسیار متفاوت از گذشته شده است. از این رو به جرأت می‌توان گفت در حال حاضر اهمیت بحث زنان و خانواده تا بدانجاست که کمتر مبحثی را می‌توان یافت که تا این حد مرد و زن، عالم و عامی و پیر و جوان را به خود درگیر کرده باشد.

کتابی که پیش روی شماست متن دروس یکی از اندیشمندان گرانقدر حوزه علمیه قم، جناب استاد بستان نجفی می باشد که به همت دبیرخانه علوم انسانی اسلامی مفتاح به زیور طبع آراسته شده است. مؤلف محترم در این اثر تلاش نموده اند تا مباحث مربوط به ابعاد اجتماعی و فرهنگی موضوع خشونت خانگی را به صورت منسجم و تخصصی عرضه نمایند و بدین جهت مباحث بسیار مهمی چون بررسی خشونت زن و مرد در خانواده علیه یکدیگر، خشونت والدین و فرزندان علیه یکدیگر و موضوعاتی از این قبیل را مبتنی بر منابع فقهی شیعه به روش اجتهادی، مورد بررسی قرار داده اند.

از این رو کتاب حاضر می تواند به طلاب و حوزویان در مباحث مربوط به فقه خانواده و موضوع خشونت خانگی با توجه به ابعاد اجتماعی و فرهنگی آن کمک شایانی نماید و علاوه بر آن این امکان را برای سایر مخاطبان غیرحوزوی نیز فراهم می آورد تا به شکلی منسجم اندیشه فقه شیعی در مورد مسأله خشونت خانگی را مورد مطالعه قرار دهند. بی تردید خوانندگان این کتاب به مطالبی مهم و عمیق در حوزه های یادشده دست خواهند یافت.

والحمد لله رب العالمین

نشر منهج علم

سخن مؤلف

وقتی خداوند متعال با پیامبر خود آشکارا از خشونت فرزند آدم علیه برادرش سخن می‌گوید، دیگر نباید در بیان این گزاره تردیدی به خود راه دهیم که خشونت خانگی از نگاه تاریخی پدیده‌ای تقریباً همزاد بشر است. از سوی دیگر، مطالعات اجتماعی و میان فرهنگی معاصر از جهان شمول بودن این پدیده حکایت دارند تا جایی که برخی جامعه‌شناسان غربی، خانه را خطرناک‌ترین مکان در جوامع امروزی به‌ویژه جوامع صنعتی معرفی کرده و بر اساس داده‌های آماری ادعا نموده‌اند که یک فرد در هرستی و یا از هر جنسی به مراتب بیشتر احتمال دارد که در خانه در معرض حمله فیزیکی واقع گردد تا در خیابان به هنگام شب! متأسفانه فراوانی این پدیده در جوامع اسلامی نیز قابل انکار نیست و به‌رغم کمبود پیمایش‌های فراگیر و قابل اعتماد می‌توان با تکیه بر مطالعات موردی و مشاهدات روزمره، ادعای شیوع نسبی اقدامات

کار متواضعانه سهمیم بودند، به ویژه ارزیابان گران قدر، استاد جواد حبیبی تبارو
استاد فرج الله هدایت نیا، و همچنین برادران عزیز و پرتلاش در مؤسسه علوم
اسلامی و مطالعات اجتماعی مفتاح تقدیر و تشکر کنم و از خداوند متعال
برای همه ایشان توفیقات روزافزون مسئلت نمایم.

حسین بستان نجفی

بهار ۱۴۰۳

www.ketab.ir

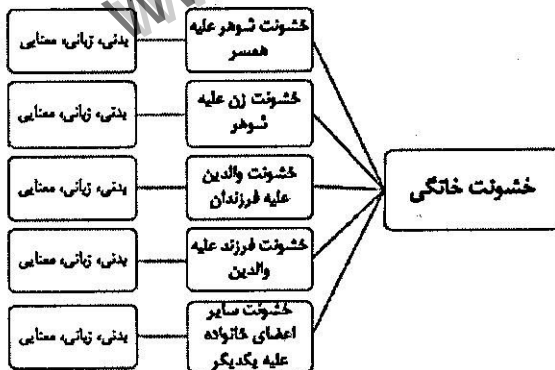
مقدمه

موضوع بحث، بررسی فقهی خشونت خانگی است. این بحث از موضوعات مورد ابتلا در جامعه ما و تمام جوامع، از گذشته تاکنون است و پیشینه آن به دوران باستان بازمی‌گردد. اسلام به عنوان دینی که برای حل تمام مسائل و مشکلات انسان برنامه و راهکار ارائه کرده، به این مسئله نیز پرداخته است. دلیل این امر آن است که بسیاری از مسائل مربوط به موضوع خشونت، به فعل و کنش‌های انسان ارتباط دارد و بخش عمده آن دارای جنبه رفتاری است. از این جهت این مهم صلاحیت آن را دارد که موضوع بحثی فقهی قرار گیرد. به بیان دیگر فقه، دانشی است که به بررسی افعال مکلفان می‌پردازد و این موضوع نیز به نحوی به افعال مکلفان مرتبط است. بر این اساس اگرچه می‌توان از زاویه اجتماعی، روان‌شناسی یا جامعه‌شناسی خانواده، جرم‌شناسی و حقوق و... به بررسی این موضوع پرداخت، اما در این نوشتار، رویکرد فقهی، مدنظر است.

چارچوب کلی مباحث

برای ورود به بحث در آغاز باید تعریفی از خشونت ارائه شود و پس از آن، به بررسی اقسام آن یعنی خشونت بدنی، زبانی و معنایی خواهیم پرداخت. در ادامه بحث، بررسی واژگان مرتبط انجام می‌شود. واژگان مرتبط واژگانی هستند که بسیاری از آن‌ها در قرآن کریم به کار رفته و در اقسام یادشده می‌گنجند.

به منظور نظم بخشیدن به مباحث، در پنج محور به بررسی خشونت خانگی با لحاظ فاعل و مرتکب خشونت و فرد خشونت‌دیده خواهیم پرداخت. در هر محور، به اقتضای بحث فقهی، احکام تکلیفی مانند موارد واجب و حرام و احکام وضعی مانند ثبوت حق دیه یا قصاص بیان خواهد شد. نمودار ذیل نشان‌دهنده این محورها است.



خشونت بدنی شامل ضرب و جرح و سایر موارد فیزیکی است و خشونت زبانی، بدون وساطت دست و جوارح، به وسیله زبان صورت می‌گیرد. قسم دیگر خشونت، خشونت معنایی است. دلیل استفاده از تعبیر خشونت معنایی این است که این تعبیر خاص‌تر از خشونت رفتاری می‌باشد؛ زیرا خشونت زبانی و بدنی نیز به نحوی در زمره خشونت رفتاری قرار می‌گیرند. منظور از این نوع خشونت، رفتار خاصی است که به سبب آن خشونتی از طریق معنا به طرف مقابل منتقل می‌شود. به عنوان مثال قهر و سخن نگفتن شوهر با همسرش نوعی از خشونت معنایی است.

منظور از سایر اعضای خانواده، افرادی غیر از والدین، فرزند، شوهر و همسر هستند. با این بیان، خواهر، برادر، پدربزرگ و مادربزرگ یا دیگر بستگان و حتی فرزندخوانده که تحت عنوان یک خانواده و در یک خانه زندگی می‌کنند، در این دسته جای می‌گیرند.

عنوان خشونت، عام‌تر از موارد یاد شده است، اما با توجه به اینکه بحث مورد نظر، بررسی خشونت در ساحت خانواده است، مباحثی مانند تعرض یک فرد بیرونی به عضوی از خانواده حتی اگر در محیط خانه واقع شود، در محدوده عنوان خشونت خانگی قرار نمی‌گیرند. همچنین مواردی مانند خشونت نهادهای اجتماعی علیه خانواده یا دخالت‌های خشن حکومت در خانواده از حیطه بحث حاضر خارج می‌شوند.

تعریف خشونت

پیش از بیان تعریف خشونت باید به این مهم توجه شود که خشونت

مفهومی درون دینی نیست؛ یعنی این واژه یا معادل عربی آن عیناً از آیات و روایات استخراج نشده است، بلکه این واژه به واسطه عناوین مشیر به مصداق‌های خشونت، از آیات و روایات به دست آمده است. بر این اساس مصداق‌های خشونت در این بحث موضوعیت می‌یابند. فقیه در اباحت فقهی به بررسی مفاهیمی اهتمام می‌ورزد که در آیات و روایات ذکر شده باشند؛ چون تعریف دقیق این مفاهیم ثمره عملی پیدا می‌کند و منشأ اثر است. لذا بیان دقیق معنای خشونت و قیود و جنس و فصل آن در بحث‌های حقوقی یا روان‌شناسی یا جامعه‌شناسی مفید است، اما در بحث فقهی چون حکم متعلق به عنوان و واژه خشونت نیست، بررسی مفهومی و واژگانی آن اهمیت چندانی ندارد و فقط مصادیق آن موضوعیت دارند. بنابراین در ادامه به بررسی مختصر معنای این واژه اکتفا می‌کنیم.

نکته حائز اهمیت دیگر این است که اصطلاح «خشونت» به‌ویژه در جامعه‌شناسی و مطالعات زنان، خاستگاه مفهومی در غرب دارد و در فقه و اخلاق که در واقع برگرفته از آیات و روایات هستند، بحث مستقلی با عنوان خشونت مطرح نشده است. واژه انگلیسی «violence» به خشونت ترجمه شده است. البته فعل آن یعنی «violate»، در منابع واژه‌شناسی انگلیسی، مفاهیمی مانند شکستن، تخلف کردن، آسیب، توهین کردن، بی‌حرمتی کردن و به حریم کسی یا چیزی تجاوز کردن را نیز به همراه دارد. همانگونه که مشخص است اصل انگلیسی واژه، بار منفی دارد؛ حال آنکه در کتاب‌های لغت و ترجمه‌های فارسی، لزوماً این بار معنایی منفی وجود ندارد. خشونت در فارسی به معنای درشتی، زبری، ضد نرمی، سخت‌رویی، خشم، غضب و

تندی است و برای انسان و اشیا، هر دو به کار می‌رود.

با پیش‌فرض گرفتن معنای منفی در خشونت، نمی‌توان خشونت را به خشونت قانونی و غیرقانونی یا خشونت خوب و بد تقسیم کرد. این در حالی است که با توجه به معنای لغوی خشونت در زبان فارسی که اعم از مثبت و منفی است، این مشکل وجود ندارد و خشونت می‌تواند به خوب و بد یا مشروع و نامشروع تقسیم شود. بنابراین باید توجه داشت که خشونت در زبان فارسی، معادل دقیق «violence» نیست و معنای وسیع‌تری دارد و در مصادیق، به خشونت‌های منفی و زشت محدود نمی‌شود. بر این اساس در ادامه گاه از خشونت‌هایی قانونی و شرعی سخن می‌گوییم و در احکام تکلیفی نیز تنها از خشونت مکرره و حرام بحث نمی‌کنیم؛ چرا که در مواردی ممکن است خشونت، جایز و واجب باشد.

به هر حال، مناسب است تعریفی از خشونت را در آغاز بحث مفروض بگیریم. تعاریف مختلفی برای خشونت ذکر شده است. برحسب یکی از تعاریف غربی، «خشونت، رفتاری است که فرد به قصد تهدید یا آزار بدنی دیگران از خود بروز می‌دهد» و طبق تعریف سازمان بهداشت جهانی، خشونت عبارت است از «استفاده عمدی از نیروی بدنی، ارباب یا تهدید که منجر به آسیب بدنی، مرگ، آسیب روانی، نقص رشد و تکامل یا محرومیت شود یا احتمال وقوع این موارد بسیار باشد».^۱ این تعریف نسبت به تعریف قبلی از دقت بیشتری برخوردار است، ولی هیچ‌یک جامعیت لازم را ندارند و مواردی مانند رفتارهای حاوی خشونت معنایی را در بر نمی‌گیرند،

۱. سالاری فر، خشونت خانگی علیه زنان، ص ۹۷.

یعنی رفتارهایی که در آن‌ها خشونت از طریق معانی منتقل می‌شود و شکل آشکاری مانند تعرض فیزیکی یا ارباب و تهدید ندارد، بلکه صرفاً نوعی بداخلاقی است.

همانگونه که بیان شد خشونت، موضوع حکم شرعی نیست و به دلیل آنکه تعریف دقیق خشونت در اباحت فقهی ثمره عملی چندانی ندارد، در صدد ارائه تعریف بسیار دقیقی نیستیم و تنها در پی روشن شدن مفهوم کلی آن هستیم، بدین منظور که آن را در جستجوی مصادیق خشونت در متون دینی، مبنا و معیار قرار دهیم. لذا در تعریف خشونت نامشروع می‌توان گفت: «خشونت نامشروع، هرگونه بدرفتاری جسمی، زبانی یا معنایی در قالب فعل یا ترک فعل است که جنبه عمدی و آگاهانه دارد و نوعاً به آسیب‌های جسمی یا روانی در طرف مقابل می‌انجامد».

بر اساس این مفهوم‌شناسی اجمالی، خشونت محدود به موارد فیزیکی نیست و شامل خشونت زبانی نیز می‌شود. علاوه بر این دو، قسم سوم نیز وجود دارد که نه زبانی است و نه فیزیکی، بلکه در قالب انتقال معنا صورت می‌گیرد. این سه قسم از خشونت پیامدهایی دارد که قید توضیحی آسیب‌های جسمی یا روانی به آن‌ها اشاره دارد.

قید «بدرفتاری» در این تعریف، مواردی را که جنبه سوءرفتار ندارند، از شمول تعریف خارج می‌کند؛ مانند استثناهایی که در مباحث آینده راجع به خشونت‌های مشروع و قانونی مطرح خواهد شد و همچنین رفتارهایی مانند ختنه کودکان که ممکن است به گونه‌ای بتوان آن‌ها را تفسیر کرد که اساساً

مصدقاً خوشونت نباشند، چنانکه در بخش سوم خواهد آمد.

افزودن قید «فعل یا ترک فعل» برای شمول مواردی مانند ترک نفقه است که جنبه ترک فعل دارند. قید «عمدی و آگاهانه» برای خارج کردن رفتارهای سهوی و ناآگاهانه از ذیل مفهوم خوشونت است و قید «نوعاً» نیز از این جهت به تعریف افزوده شده که ممکن است برخی افراد به سبب توانمندی‌های خاص، دچار آسیب بدنی یا روانی نشوند، ولی رفتاری که با آن‌ها شده به گونه‌ای است که نوع افراد از آن آسیب می‌بینند و لذا باید خوشونت تلقی شود.

واژگان کلیدی بحث

پیش از ورود به مباحث اصلی، بررسی واژگان مرتبط ضروری است؛ زیرا برای ورود به بحث فقهی باید در منابع، فحوص و جستجو شود که این کار نیازمند در اختیار داشتن واژگان مناسب است. اهمیت این امر در مباحث مربوط به نظام‌های اسلامی که با ساختار و مؤلفه‌های جدیدی روبرو هستیم، مضاعف می‌شود و این در حالی است که منابع و متون قرآنی و حدیثی، همان منابع اباحت گذشته است و بحثی با عنوان خوشونت در ابواب فقهی وجود ندارد و در دسته‌بندی‌های کتب حدیثی نیز چنین بابی در نظر گرفته نشده است. از این رو به واژگانی نیازمندیم که در یافتن آیات و روایات مرتبط با بحث، از آن‌ها استمداد بجوییم.

واژگان مرتبط با بحث در دو دسته قابل تفکیک هستند؛ واژگان خاص و واژگان عام. واژگان خاص واژگانی هستند که به طور خاص به مصداقی

از خشونت اشاره دارند. به عنوان نمونه ضرب (که مشتقات آن مانند «فاضربوهن» در قرآن کریم در رابطه با خانواده به صورت ویژه به کار رفته است)، لطم خدّ (به صورت کسی سیلی زدن)، جرح، قتل، قذف (تهمت ناپاکی و انحراف جنسی زدن)، هجر (دوری، کناره‌گیری و قهر کردن)، حبس (زندانی کردن)، اخراج من البیت (از خانه بیرون کردن)، وادّ (زنده به گور کردن)، ظهار و ایلاء، واژگانی هستند که به طور خاص به مصداقی از خشونت اشاره دارند. نمونه‌های دیگری نیز وجود دارد که باید به صورت موردی در قرآن کریم و روایات مورد بررسی قرار گیرند.

واژگان عام مفاهیمی هستند که بر مصادیق مختلفی از خشونت قابل اطلاق هستند؛ بدین معنا که خود مفهوم می‌تواند چندین مفهوم را شامل شود. بنابراین مقصود از عام بودن واژه، مختلف بودن فاعل آن نیست. مثلاً هنگام سخن گفتن از مفهوم ضرر به عنوان یک مفهوم عام، مصادیق آن (نه فاعلان اضرار) متعدد هستند؛ یعنی ممکن است ضرر مالی، جانی، عرضی (آبرویی) یا دیگر مصادیق ضرر به دیگری وارد شود. همچنین عام به معنای مفهوم کلی نیست؛ چرا که به لحاظ منطقی تمام مفاهیم کلی هستند، بلکه واژگان عام از آن جهت عام می‌باشند که خود، مفاهیم دیگری را در بر می‌گیرند.

در بحث حاضر اگر تنها به واژه‌های خاص بسنده شود، ممکن است در مواردی، به طور خاص، مدرکی از آیات و روایات به دست نیاید. این در حالی است که قواعد و عنوان‌های عامی که در آیات و روایات ذکر شده می‌توانند در مقام استنباط احکام برای ما راهگشا باشند، مثلاً در مورد رفتاری خاص

که از مصداق ضرار است. این کلیدواژه در قرآن کریم در موارد بسیاری استفاده شده است (مانند لاتضاروهن). این واژه در قرآن کریم تنها ناظر به یک مصداق خاص نیست و ممکن است شامل انواع مختلف ضرر وارد کردن اعم از بدنی و روحی. روانی در شکل‌های مختلف باشد، اما عنوان عام ضرار بر تمام آن‌ها صدق می‌کند. بنابراین می‌توان با عنوان «لاتضاروهن» حرمت رفتار خاصی را که عیناً در آیات و روایات ذکر نشده است، ثابت نمود. همچنین عناوینی مانند اعتداء، ایذاء، غَضل (تحت فشار گذاشتن و ایجاد محدودیت) که در قرآن کریم آمده و واژه‌هایی مانند آن‌ها که دایره معنایی آن‌ها وسیع‌تر است، از این قبیل می‌باشند.

در ادامه، واژگان را در خلال بحث قرآنی بیشتر مورد بررسی قرار می‌دهیم و پس از آن روایات مرتبط با بحث را بیان خواهیم کرد.

www.ketab.ir